

## تأثیر همگرایی و واگرایی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی بر سیاست خارجی دولت آمریکا در قبال ایران (با تأکید بر راهکارهای رسانه‌ای)

رشید رکابیان<sup>۱</sup>، رسول انگزی<sup>۲</sup>

### چکیده

ایران و عربستان سعودی به‌مثابه دو قطب مهم در غرب آسیا، روندی از همگرایی و واگرایی را در مناسبات خود طی کرده‌اند. وزن ژئوپلیتیکی دو کشور در این منطقه و نقش بالقوه آن‌ها در حل تعارضات تا حدی است که هر یک از دو کشور، همواره به‌عنوان بازیگری راهبردی در پروژه‌های کلان بازیگران جهانی، انتخاب شده‌اند. بر این اساس، هدف مقاله حاضر تحلیل عوامل همگراساز و واگراساز در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی و تأثیر این عوامل بر سیاست خارجی دولت آمریکا در قبال ایران است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که روابط ایران و عربستان سعودی مبتنی بر تقابل و همکاری بوده است. رابطه‌ای که مکانیزم‌های آن با درگیری‌های ژئوپلیتیک، جنگ‌های نیابتی، نفتی و ائتلاف‌سازی منطقه‌ای پیوند خورده است؛ بر این اساس، با داشتن تهدیدهای مشترک و توانمندی‌ها و قابلیت‌های دو کشور و راهبرد «منفعت‌محور» و «دخالت‌گرایانه» دولت آمریکا در امور داخلی کشورهای غرب آسیا، قرار گرفتن ایران و عربستان سعودی بر مدار واقعیت‌ها و اشتراکات جغرافیایی، فرهنگی و اقتصادی با تقویت «سیاست همسایگی» از طریق دیپلماسی عمومی و دیپلماسی رسانه‌ای، همگرایی دو کشور ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

واژه‌های کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، همگرایی، واگرایی، دولت آمریکا.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۸

<sup>۱</sup>. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت الله بروجردی (ه)، لرستان، ایران (نویسنده مسئول).  
ra.recabian@abru.ac.ir

<sup>۲</sup>. کارشناس ارشد علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی (ه)، لرستان، ایران.  
rasoula@gmail.com

Doi: 10.22034/IMRL.2022.149662



## مقدمه

روابط ایران و عربستان سعودی همواره از اهمیتی خاص برای سیاست‌گذاران، رسانه‌های بین‌المللی و همچنین پژوهشگران و صاحب‌نظران دو کشور برخوردار بوده است. ایران و عربستان سعودی با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی خود از مهم‌ترین بازیگران منطقه‌ای در غرب آسیا هستند که در مسائل گوناگونی رقابت و البته گاهی خصومت دارند، به‌گونه‌ای که برای دستیابی به منافع و موقعیت بهتر، روابط آن‌ها روندی متغیر داشته است. رقابت دو کشور در هزاره جدید میلادی و از سال ۲۰۰۳ و به‌ویژه با شروع تحولات بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱م شکل رویارویی و تقابل به خود گرفته است.

ایالات‌متحده آمریکا یکی از کشورهایی است که از روابط دو کشور ایران و عربستان سعودی برای رسیدن به اهداف خود استفاده و از طریق عربستان سعودی سعی در تحت فشار قرار دادن ایران دارد، به‌طوری که ایالات‌متحده آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که رویکرد ضداستکباری و ضدغربی داشت، همواره به‌دنبال تضعیف قدرت و نفوذ این قدرت منطقه‌ای بوده و از تمام ظرفیت‌های ممکن برای تحت فشار قرار دادن ایران استفاده کرد. بر همین اساس روابط «واگرا» و «همگرای» ایران و عربستان سعودی می‌تواند در سیاست خارجی دولت آمریکا در قبال ایران تأثیر بسزایی داشته باشد.

با توجه به این مقدمه، این پرسش مطرح می‌شود: تأثیر واگرایی یا همگرایی دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی چه تأثیری بر سیاست خارجی دولت آمریکا در قبال ایران دارد؟

بر این اساس، می‌توان دو فرضیه برای مقاله ساماندهی کرد:

عوامل همگرایی ایران و عربستان سعودی موجب می‌شوند که دولت آمریکا با چالش جدی در مقابل ایران مواجه شود و قدرت مقابله آن کاهش یابد.  
عوامل واگرایی ایران و عربستان سعودی موجب خصمانه‌تر شدن سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران خواهد شد.

## پیشینه تحقیق

در خصوص همگرایی و واگرایی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی و تأثیر آن بر سیاست خارجی دولت آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌های مختلفی به رشته

تحریر درآمده است. برخی از مقالات به روابط دو کشور اشاره دارند و بعضی در مورد واگرایی دو کشور بحث کرده‌اند که در ادامه بررسی خواهند شد.

محسنی (۱۴۰۰)، چالش‌ها، موانع و فرصت‌های روابط ایران و عربستان سعودی در سطوح داخلی و منطقه‌ای را بررسی کرده است.

عمادی (۱۴۰۰)، عوامل تأثیرگذار بر روابط عربستان سعودی و آمریکا در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی (از جمله نفت، امنیت عربستان سعودی، وضعیت حقوق بشر در عربستان سعودی، مداخلات منطقه ای ریاض، لابی رژیم صهیونیستی در آمریکا، خرید تسلیحات از آمریکا، بیداری اسلامی، همسویی رسانه ای آمریکا و عربستان سعودی) را بررسی کرده است. ازغندی و آقاعلیخانی (۱۳۹۲)، در مقاله «بررسی عوامل منطقه‌ای واگرایی روابط ایران و عربستان سعودی (۱۳۹۰-۱۳۸۴)»، به این سؤال پاسخ داده‌اند که «مهم‌ترین علت و عوامل منطقه‌ای واگرایی در روابط ایران و عربستان سعودی در دوره مذکور چه بوده است؟ در پاسخ، مسائل عراق، لبنان و به‌ویژه بحرین به‌عنوان مهم‌ترین عوامل منطقه‌ای واگرایی در روابط دو کشور و تلاش برای توسعه نفوذ در منطقه، مهم‌ترین علت منطقه‌ای بی‌ثباتی در روابط ایران و عربستان سعودی معرفی شده‌اند. از نظر نویسندگان، علی‌رغم اختلاف بین طرفین، به‌رسمیت شناختن حاکمیت و حقوق یکدیگر می‌تواند زمینه‌ساز دوستی و همزیستی مجدد دو کشور شود.

حق‌شناس و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله «رقابت ژئوپلیتیک و روابط ایران و عربستان سعودی، مکانیزم‌ها و راهبردها»، به این سؤال پاسخ داده‌اند که چرا روابط ایران و عربستان سعودی در روند ژئوپلیتیک منطقه‌ای، سیر بن‌بست و تقابلی پیدا کرده است؟ مدعای اصلی مقاله آن است که دو کشور در عمل در همه بحران‌های منطقه‌ای درگیر بوده، ولی درک نقش و راهبرد ایران و عربستان سعودی در منطقه، مستلزم بازبینی نگرش‌های دو کشور به تهدیدات امنیتی است. در واقع، روابط ایران و عربستان سعودی پرلایه، پویا و ترکیبی از راهبرد دوگانه هژمونی/توازن‌سازی و مقاومت/مهار است. رابطه‌ای که مکانیزم‌های آن با درگیری‌های ژئوپلیتیک، جنگ‌های نیابتی، نفتی و ائتلاف‌سازی منطقه‌ای پیوند خورده است. در حال حاضر، ایران و عربستان سعودی بازیگران منطقه‌ای «امنیتی‌ساز و نظم‌ساز» هستند.

صابرفرد و اکبری (۱۳۹۸)، در مقاله «مؤلفه‌های بحران‌زا در روابط ایران و عربستان سعودی (۲۰۱۷-۲۰۰۰)» به این سؤال پاسخ داده‌اند که مهم‌ترین مؤلفه‌های بحران‌زا در روابط ایران و عربستان سعودی کدامند؟ براساس نتایج حاصل، مهم‌ترین مؤلفه‌های بحران‌زا در روابط دو کشور





عبارتند از: «ایجاد نوسان در قیمت انرژی، تهدید به بسته شدن تنگه هرمز، رقابت بر سر رهبری جهان اسلام و حضور نظامی در کشورهای منطقه». نویسندگان دلایل بحران‌ها را عدم فهم مقامات سیاسی دو کشور از خواسته‌ها و منافع دو طرف و عدم مذاکره مستقیم پیرامون اتفاقات و رخدادهای منطقه می‌دانند که می‌توان با رفع این مشکل به سوی همکاری رفت.

افضلی و نجفی (۱۳۹۷)، در مقاله «تبیین شاخص‌های کلیدی تأثیرگذار بر روابط ایران و عربستان سعودی در افق زمانی ۱۴۰۷» به این سؤال پاسخ داده‌اند که «مهم‌ترین شاخص‌ها و عوامل تأثیرگذار در آینده روابط ایران و عربستان سعودی در افق زمانی ۱۴۰۷ چیست؟» این پژوهش با دیدی آینده‌نگرانه و با هدف شناخت شاخص‌ها و عوامل ایجاد واگرایی در روابط میان دو کشور و تلاش جهت از میان برداشتن این عوامل و حرکت در راستای ایجاد دوستی و برقراری روابط دیپلماتیک دوستانه میان دو کشور اسلامی و تأمین منافع ملی کشور در افق زمانی ده ساله، با روش آماری انجام شده است.

نادری و تاجیک (۱۳۹۷)، در مقاله «سناریوهای راهبردی روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در افق ۲۰۳۰م» به این سؤال پاسخ داده‌اند که «سناریوهای محتمل در روابط ایران و عربستان سعودی در افق زمانی سال ۲۰۳۰ میلادی چه خواهد بود؟» مقاله سناریوهای محتمل در روابط ایران و عربستان سعودی در افق زمانی سال ۲۰۳۰م را سه سناریوی پایان تردیدها، آشوب سازنده و ایستاده با مشت، توصیف می‌کند. پیشروی فزاینده محور مقاومت (سناریوی آشوب سازنده) و یا توازن دو جبهه (سناریوی ایستاده با مشت) بالاترین احتمال را در سال ۲۰۳۰م خواهند داشت. نویسندگان معتقدند که ایران و عربستان سعودی نماینده دو گونه فکری‌اند، دو گونه تمدنی که شاید می‌توانند کم‌تر با یکدیگر دچار تنش شوند، اما صفر شدن این تنش‌ها، مشروط به تغییرات گسترده در مبانی فکری و هویتی آنان است، امری که در شرایط کنونی بعید است.

عمادی و علیخانی (۱۴۰۰)، در مقاله «روابط آمریکا و عربستان سعودی در دوره ریاست جمهوری جو بایدن؛ عوامل تعیین‌کننده و پیامدها (با تأکید بر پیشنهادهاى رسانه‌ای)» به این سؤال پاسخ داده‌اند که روی کار آمدن جو بایدن در آمریکا، چه پیامدهایی بر مناسبات این کشور با عربستان سعودی خواهد داشت؟ نویسندگان اعتقاد دارند که با وجود تمایل عربستان سعودی و آمریکا برای تداوم مناسبات، اما دولت بایدن ضمن در پیش گرفتن همزمان راهبرد فشار و تعامل در قبال ریاض، سعی دارد دامنه نفوذ کشورهای کوچک‌تر خلیج فارس را در مقابل



عربستان سعودی توسعه دهد. هر دو کشور به ایران به عنوان تهدید مستقیم می‌نگرند و هیچ یک مایل نیستند که ایران در منطقه به قدرتی مسلط تبدیل شود. در نتیجه، آنچه دو کشور را نزدیک نگاه می‌دارد، هنوز بیش از آن چیزی است که آنان را از هم جدا می‌کند.

با توجه به بررسی پژوهش‌های مذکور، وجه متفاوت پژوهش پیش‌رو با آثار ذکر شده در این است که اولاً مقالات مذکور به بحث همگرایی نپرداخته‌اند. ثانیاً، تنها در یکی از مقالات بحث واگرایی دو کشور در دهه ۱۳۸۰ مطرح شد و به سیاست خارجی آمریکا اشاره‌ای نشده است. ثالثاً، آثار مورد اشاره، پیش از به قدرت رسیدن جو بایدن نوشته شده و به بحث همگرایی و واگرایی و تأثیر آن بر سیاست خارجی آمریکا نپرداخته‌اند. در حالی که پژوهش حاضر از این جهت جدید بوده و تاکنون با این عنوان، پژوهشی انجام نگرفته است. بر این اساس، در پژوهش تلاش می‌شود که عوامل همگرایی و واگرایی دو کشور را بررسی و تأثیر این عوامل بر سیاست خارجی دولت آمریکا در قبال ایران را تحلیل کند.

### چارچوب نظری

یکی از عوامل مهم در رویکرد سیاست خارجی یک کشور در مورد همسایگان خود، سیاست‌ها و اقدام‌های متقابل میان آنهاست. بنابراین، کشورها در نظام بین‌الملل و نیز در سطح منطقه‌ای به واسطه اهداف، توانمندی‌ها و برداشت‌های خود از مسایل گوناگون در وضعیت همکاری یا تعارض و یا ترکیبی از این دو قرار دارند (ازغندی و آقاعلیخانی، ۱۳۹۲: ۲۲۷). همگرایی و واگرایی واحدهای سیاسی از پدیده‌های سیاسی همیشگی در تاریخ بوده است، نظریه‌های علمی در مورد این موضوع تازگی دارد. در واقع، این موضوع از جمله حوزه‌های جدید در مطالعات سیاسی و منطقه‌ای است (حافظ‌نیا و ربیعی، ۱۳۹۲: ۲۳۹).

همگرایی به کوشش‌هایی اطلاق می‌شود که در آغاز عمدتاً در اروپای غربی و در سایر مناطق در جهت همگرایی منطقه‌ای صورت گرفته است. «ارنست هاس»<sup>۱</sup> بزرگ‌ترین نظریه‌پرداز این حوزه است. وی با نفوذش بر افکار مقامات جامعه اقتصادی اروپا و اعضای کمیسیون آن، به تکامل این جامعه بی‌نهایت کمک کرده است (فرانکل، ۱۳۷۶: ۸۴). هاس، همگرایی را فرایندی سیاسی می‌داند و می‌گوید چنانچه رهبران، روند همگرایی را به نفع خود یا جامعه ندانند، مانع از وقوع آن می‌شوند؛ لذا، همگرایی فرایندی است که طی آن رهبران سیاسی کشورهای مورد نظر متقاعد و علاقه‌مند

۱. Ernst haas



می‌شوند تا منافع خود را در چارچوب نهادهای فراملی تعقیب کنند و این وضعیت تا آنجا می‌تواند پیش رود که مرزهای ملی منسوخ شود (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۱۱). بر این اساس همگرایی فرایندی جنبشی، برای همکاری دولت‌ها و انتقال تدریجی اقتدار به نهادهای فراملی است. همچنین حرکتی برای همگون‌سازی تدریجی ارزش‌ها، ظهور یک جامعه مدنی منطقه‌ای و ایجاد یک اجتماع بزرگ سیاسی منطقه‌ای است (زارعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۳۲).

در نقطه مقابل همگرایی، واگرایی به معنی از دست دادن وحدت و پیوستگی و قطعه‌قطعه شدن است. همان‌طور که عوامل و انگیزه‌های گوناگونی سبب برقراری اتحاد و همگرایی میان واحدهای سیاسی متفاوت می‌شوند، عوامل مختلفی نیز در واگرایی و ایجاد تعارض میان دولت‌ها مؤثر هستند که طی آن، به جای ترغیب واحدهای سیاسی به همکاری و اشتراک مساعی در عرصه سیاست بین‌الملل، آن‌ها را از یکدیگر دور ساخته، زمینه‌های بحران و جنگ را فراهم می‌کند (جلال‌پور و همکاران، ۱۳۹۹: ۹). واگرایی عموماً از یک جریان تاریخی توجیه می‌یابد و کشورهایی که مناسبات واگرا و پرتنش میان یکدیگر را طی می‌کنند، از همین جریان‌های متضاد تاریخی به‌عنوان توجیهی برای اقدامات غیرسازنده علیه خود بهره می‌برند (کریمی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۰۸).

همگرایی و واگرایی ناظر بر رفتار جمع‌گرایی و دوری‌گزینی کشورها درباره یکدیگر است. به فرایند هم‌پیوستگی و همبستگی کشورها همگرایی و به فرایند جدایی و دوری‌گزینی کشورها درباره یکدیگر واگرایی اطلاق می‌شود. پدیده واگرایی و همگرایی در رفتار کشورها درباره‌ی یکدیگر، بسته به دلایل و عوامل بروز و تجلی این پدیده‌ها، از طبیعتی پویا برخوردار است. به این معنا که اگر عوامل ایجادکننده باقی بمانند، واگرایی و همگرایی باقی می‌ماند و برعکس، با نبودن این عوامل، همگرایی و واگرایی نیز از بین خواهد رفت (مختاری‌هشی و قادری‌حاجت، ۱۳۹۷: ۹۰). از آنجا که عوامل ایجادکننده در حال تحول و دگرگونی هستند، این پدیده نیز دچار تحول می‌شود. برای مثال یک تهدید مشترک می‌تواند عاملی برای همگرایی کشورهای تهدیدشونده تلقی شود و آن‌ها را با هم متحد کند و در قالب یک تشکل امنیتی بین‌المللی گرد هم آورد (صفوی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲).

اصولاً همگرایی و واگرایی تابعی از تلقی دولت‌ها و بازیگران درباره منافع ملی و جمعی و یا فردی خود می‌باشد؛ به عبارت دیگر، بازیگری که تن به شرکت در فرایند همگرایی یا واگرایی با سایر بازیگران در سطوح مختلف می‌دهد، به این امر می‌اندیشد که این امر تا چه اندازه منافع او



را تأمین و تهدیدات احتمالی را از او دور می‌سازد. لذا، فلسفه این دو پدیده را درک وجود منفعت برای بازیگران در پرتو شکل‌گیری آن‌ها تشکیل می‌دهد (کریمی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۰۸).

کارل دویچ<sup>۱</sup>، چهار شرط الزامی را برای همگرایی بدین شرح برمی‌شمرد: ارتباط متقابل، سازگاری عملی ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، واکنش‌پذیری متقابل و نوعی هویت و یا وفاداری مشترک تعمیم‌یافته. او معتقد است این پیش شرط‌ها و علل مقدماتی، برای شکل‌گیری همگرایی الزام است (Sharp: 2017: 31). بر این اساس عواملی که می‌توانند در همگرایی و واگرایی کشورها بیشترین تأثیر را داشته باشند، عبارتند از:

۱. عوامل انسانی و فرهنگی: قومیت، نژاد، زبان، دین و مذهب و تجربیات تاریخی از مهم‌ترین عوامل انسانی هستند.
۲. عوامل سیاسی و جغرافیای سیاسی: تشابه و سازگاری نظام‌های سیاسی، پایبندی به اصول دموکراسی و ایجاد فضای باز برای رفت‌وآمد و تبادل افکار ملت‌ها از مهم‌ترین عوامل سیاسی اثرگذار است. در کنار عوامل سیاسی، عواملی مانند اختلافات سرزمینی، گروه‌های قومی پراکنده در دو سوی مرزهای سیاسی، رودخانه‌های مرزی، منافع مشترک مرزی و غیره از عوامل جغرافیای سیاسی اثرگذار بر همگرایی و واگرایی هستند.
۳. عوامل اقتصادی: وابستگی‌های متقابل اقتصادی، چگونگی پراکندگی منابع، سیاست‌ها و سیستم‌های اقتصادی و تجاری، پایبندی به اصول اقتصاد و تجارت آزاد و هم‌تکمیلی اقتصادی از مهم‌ترین عوامل اقتصادی اثرگذار بر همگرایی منطقه‌ای به حساب می‌آیند.
۴. تعادل و توازن قدرت: چنانچه تعادل قدرت در یک منطقه وجود داشته باشد، انتظار بیشتری وجود دارد که کشورها بدون هراس از تحت سلطه قرار گرفتن به وسیله قدرت‌های بزرگ‌تر، وارد پیوندهای جمعی شوند. از سوی دیگر، اختلاف زیاد قدرت ملی کشورهای یک منطقه زمینه‌ساز پیوندهای نظامی-امنیتی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای است که بنای هر نوع همگرایی منطقه را از بین می‌برد.
۵. قدرت‌های فرامنطقه‌ای: ارتباط قدرت‌های خارجی با کشورهای یک منطقه و انگیزه آنها برای سلطه بر منافع آن، راه‌های فراوانی برای حضور آنها در منطقه ایجاد می‌کند و این حضور به قراردادهای مختلف نظامی، تجاری و اقتصادی منجر می‌شود که به تدریج باعث تغییر رویکرد

1. Karl Deutsch



کشورها به همگرایی منطقه‌ای و از بین رفتن این همگرایی می‌شود (حافظنیا و ربیعی، ۱۳۹۲: ۲۴۴).

### ۱. عوامل همگرایی ایران و عربستان سعودی و چگونگی تحقق آن

به‌زعم بسیاری از کارشناسان، ادامه وضعیت کنونی میان ایران و عربستان سعودی به نفع دو کشور نیست و آن‌ها ناگزیر از کاهش تنش میان خود هستند. اما تقابل منافع دو کشور در بحران‌های منطقه از یک‌سو و حیثیتی شدن روابط دوجانبه از سوی دیگر، تنش‌زدایی و بهبود روابط را با مشکل مواجه کرده است (بیات و اسلامی، ۱۳۹۷: ۱۶۹). با این وجود عواملی وجود دارند که می‌توانند در همگرایی دو کشور تأثیر بسزایی داشته باشند، این عوامل عبارتند از:

#### ۱-۱. دیپلماسی انرژی (نفت)

نظریه کارکردگرایی دیوید میترانی<sup>۱</sup> بر نقش اقتصاد بر همگرایی کشورها تأکید دارد (کریمی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۱۱). جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی از تولیدکنندگان عظیم نفت و گاز در غرب آسیا و جهان هستند. به‌طوری که عربستان سعودی با داشتن حدود ۲۶۴ میلیارد بشکه و جمهوری اسلامی ایران با داشتن حدود ۱۵۱ میلیارد بشکه نفت خام اثبات‌شده، دومین و سومین دارندگان ذخایر نفتی اثبات‌شده جهان هستند (صادقی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۵). نفت در اقتصاد دو کشور نقش مسلط را ایفا می‌کند و مهم‌ترین منبع درآمدهای ارزی و بودجه عمومی دو کشور از محل صادرات نفت تأمین می‌شود. به‌طوری که نزدیک به ۸۰ درصد بودجه عربستان سعودی از راه فروش نفت و گاز تأمین می‌شود، بر همین اساس برای عربستان سعودی، انرژی منشاء حیات است (متقی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۴). جمهوری اسلامی ایران نیز سهم زیادی از بودجه خود را از طریق صادرات نفت تأمین می‌کند، به‌طوری که در سال‌های اخیر سهم صادرات نفت از کل صادرات، بین ۶۵ تا ۷۵ درصد بوده است. همچنین صادرات نفت منبع اصلی تأمین ارز برای واردات می‌باشد (رشیدی و موسوی، ۱۳۹۸: ۱۶۱). بر این اساس، نیازهای متقابل ایران و عربستان سعودی به درآمدهای نفتی را باید در زمره عوامل گسترش همکاری در روابط متقابل دانست. هماهنگ‌سازی روابط ایران و عربستان سعودی در حوزه دیپلماسی منابع، بخشی از ضرورت نگرش واقع‌بینانه دولت‌مردان این دو کشور است

<sup>۱</sup>. David Mitrany



(متقی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶). درست همانند فرایند همگرایی اروپایی که با تمرکز بر منابع راهبردی ذغال سنگ و فولاد بنیان گذاشته شد.

### ۲-۱. دیپلماسی حج

جوزف نای<sup>۱</sup>، معتقد است که جاذبه ایدئولوژیک و هویت‌بخش و نوعی احساس هویت باعث حمایت شدید از همگرایی منطقه‌ای می‌شود (نای، ۱۳۸۷: ۵۶). حج با تکیه بر عناصر مشترک هویتی مسلمانان و تقویت و تعمیق آنها، تفاوت‌های فرهنگی و مرزهای جغرافیایی را از بین می‌برد تا همه مسلمانان را با ملاک هویتی جدیدی در مفهوم متعالی «امت اسلامی» منسجم سازد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴) و از طریق تقویت تشابه هویتی (یگانگی درونی) از یک سو و تقویت حیات جمعی (پیوستگی بیرونی) ظرفیت عظیمی برای پویایی و سرزندگی امت اسلامی فراهم می‌کند و از این طریق مسلمانان را در سطوح ایدئولوژی به اتحاد فرا می‌خواند. برخی دیپلماسی عمومی را نحوه نفوذ بر مردم و افکار عمومی جوامع سایرکشورها بیان می‌کنند. باتوجه به ویژگی‌های دیپلماسی عمومی دو کنشگر مهم غرب آسیا می‌تواند از طریق مراسم حج، زمینه همگرایی دو ملت و دو دولت را فراهم کنند. حتی با برگزاری کنفرانس و همایش در ایام حج می‌توان به تبادل افکار پرداخت؛ چرا که از دیپلماسی عمومی به‌عنوان وسیله‌ای برای تبادل آزاد اندیشه‌ها، عقاید و اطلاعات بین جوامع یاد می‌کنند (Waller, 2007: 23).

### ۳-۱. همکاری‌های زیست‌محیطی

آلودگی محیط‌زیست که بی‌توجهی به آن می‌تواند حیات بشر و بقای او را تهدید کند، موضوعی است که سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی به آن توجه کرده‌اند. به‌طوری که خلیج فارس به علت عمق کم، شوری آب، گرمی هوا، ارتباط محدود با آب‌های آزاد جهان و مسائل ناشی از بهره‌برداری منابع فراوان انرژی آن، اکوسیستم ویژه‌ای دارد. این ویژگی سبب شده است تا در برابر منابع آلوده‌کننده به‌شدت آسیب‌پذیر باشد (زرگر و نوروزی کلریمی، ۱۳۹۵: ۲۵۶). یکی از تهدیدات علیه کشورهای ساحلی خلیج فارس آلودگی محیط زیستی و نفتی این پهنه آبی به واسطه تردد پرتراکم نفت‌کش‌ها است. آلودگی این منطقه می‌تواند زندگی افراد را با مشکل مواجه کند و منشاء بیماری باشد. جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به‌عنوان دو کشور

1. Joseph Nye



بزرگ و تأثیرگذار این منطقه، دارای منافع مستقیم در رابطه با محیط‌زیست خلیج فارس هستند و آلودگی زیست‌محیطی این منطقه می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر ساکنان ساحلی سرزمینشان تأثیر بگذارد، همچنین می‌تواند به‌عنوان یک تهدید مشترک و به‌عنوان یک بستر برای همکاری و همگرایی این دو کشور در مسائل زیست‌محیطی این منطقه قرار گیرد و نقش عوامل تنش‌زا در روابط دو کشور را کاهش دهد.

#### ۴-۱. مسئله فلسطین - رژیم صهیونیستی

جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹م، تا به امروز کانون مبارزه با رژیم صهیونیستی شناخته می‌شود و به حمایت از ملت فلسطین پرداخت؛ ملتی که سران کشورهای عربی با امضاء پیمان کم‌دیوید<sup>۱</sup> به آن خیانت کردند. اما امام خمینی (ره) با ابهت و شهامت تمام به مبارزات ملت فلسطین، هویت اسلامی بخشیدند. در مقابل نیز عربستان سعودی برای چندین دهه، مدافع حق تشکیل کشور مستقل فلسطین و منتقد اشغال غزه توسط رژیم صهیونیستی بوده است (آدمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹۰). بر این اساس رژیم صهیونیستی به‌عنوان یک تهدید مشترک برای منطقه غرب آسیا محسوب می‌شود. علی‌رغم گزارش‌ها مبنی بر افزایش همکاری اطلاعاتی عربستان سعودی و رژیم غاصب اسرائیل بعد از توافق آبراهام (عادی‌سازی مناسبات رژیم صهیونیستی - اعراب)، ریاض و تهران هنوز مسئله فلسطین را مهم دانسته و نگران کنترل رژیم صهیونیستی بر اماکن مقدس مسلمانان و توسعه‌طلبی این رژیم در کرانه باختری و همچنین توانمندی‌های تسلیحات هسته‌ای اعلام نشده اسرائیل هستند (Fathollah Nejad, 2016: 25). در نتیجه مسئله فلسطین و غصب سرزمین فلسطین توسط رژیم صهیونیستی هنوز می‌تواند به‌عنوان یک عامل همگرا در روابط دو کشور موثر باشد.

#### همگرایی ایران و عربستان سعودی و تأثیر آن بر سیاست دولت امریکا در قبال ایران

مسئله احیای روابط، هم برای ایران و هم برای عربستان سعودی یک ضرورت است، چرا که نزدیکی مناسبات ریاض و تهران نظم سیاسی کنونی منطقه را به شکل چشمگیری تکان خواهد داد و تحولات ناشی از آن مجموعه‌ای از برندگان و بازندگان را در پی خواهد داشت. در این

۱. Camp David



میان، آمریکا منافع زیادی از دست می‌دهد، در حالی که چین منافع بسیاری به دست می‌آورد. از طرف دیگر همکاری بین ریاض و تهران به سعودی‌ها امکان کنترل بیشتر بر قیمت نفت را می‌دهد، چرا که آنها در مجموع ۳۵,۵ درصد از ذخایر نفت اوپک را در اختیار دارند. ثبات قیمت نفت برای ثبات اقتصادی این دو کشور حیاتی است. هر دو قدرت، که حکومت هایشان برای بقای خود به ثبات اقتصادی وابسته هستند، از تقویت تنش‌زدایی آزمایشی خود منافی کسب خواهند کرد.

همچنین نگاه عربستان سعودی برای تحقق اهداف سیاسی و اقتصادی‌اش همواره به آمریکا و غرب بوده است. اما ترور جمال خاشقجی، تمایل آمریکا به جایگزینی بن نایف با بن سلمان، و تلاش واشنگتن برای خروج از غرب آسیا به ریاض فهماند که ایالات متحده دیگر نمی‌تواند حمایت بی‌چون و چرای همیشگی را در اختیار عربستان سعودی بگذارد. از طرفی با توجه به اینکه جوهره مفهومی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی «تمدن نوین اسلامی» است نیاز به پایان ایران هراسی از سوی عربستان سعودی می‌باشد تا بتواند در جهان اسلام الهام‌بخش، در سطح منطقه پیشرو و در گستره بین‌الملل اثربخشی بیشتری داشته باشد. پس چاره‌ای وجود ندارد جز اینکه هر دو کشور از هر فرصتی برای کاهش اختلافات از مسیر گفت‌وگو، مذاکره و دیپلماسی استفاده کنند. اتفاقاً مواضع مثبت دیپلماسی دولت سیزدهم و پادشاه سعودی در خصوص ضرورت برقراری روابط با همسایگان به خصوص عربستان سعودی و همچنین شرکت هیأت‌های دیپلماتیک دو کشور در نشست‌های مشترک و تداوم نشست بغداد با موضوع کاهش تنش در روابط ایران و عربستان سعودی و نهایتاً توافق دو طرف در مارس ۲۰۲۲ برای از سرگیری روابط، گام‌های مثبتی است که می‌تواند احیای روابط دو کشور را با وجود موانع و چالش‌های متعدد تسریع سازد. این امر می‌تواند سرآغازی بر ناکامی‌های بیشتر آمریکا در قبال ایران شود. نتایج همگرایی ایران و عربستان سعودی بدین شرح است:

- ۱- سیاست و استراتژی ایالات متحده آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران را خنثی خواهد کرد و عملاً ائتلاف‌سازی علیه ایران به رهبری عربستان سعودی در منطقه، شکست خواهد خورد.
- ۲- همگرایی باعث همکاری دو کشور در بحث قیمت و مدیریت صادرات نفت و به تبع آن افزایش قیمت آن و تأثیر آن در اقتصاد دو کشور خواهد شد. با توجه به اینکه نفت جایگاه مهمی در سیاست خارجی آمریکا در مورد عربستان سعودی دارد (عمادی و علیخانی، ۱۴۰۰: ۲۶۹)، دولت آمریکا در مسیر اسلاف خود برای تأمین بخشی از نفت خود از عربستان سعودی



است بخصوص در شرایط فعلی (۲۰۲۰) جنگ روسیه و اوکراین که باعث افزایش بی حد قیمت نفت در امریکا شده است؛ که در صورت همگرایی ایران و عربستان سعودی در مورد دیپلماسی نفتی، دولت بایدن با چالش مواجه خواهد شد. لذا، جمهوری اسلامی ایران از این طریق کم‌ترین تأثیر را از تحریم و فشار اقتصادی آمریکا دریافت خواهد کرد.

۳- همگرایی ایران و عربستان سعودی به‌عنوان دو کشور مهم و تأثیرگذار در منطقه، به روند تحکیم و توسعه منافع ملی کشورهای منطقه کمک کرده و موجب پایان تدریجی حضور قدرت‌های بیگانه و کاهش روند مسابقه تسلیحاتی خواهد شد (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۸۱). به قدرت رسیدن جو بایدن در ۲۰۲۰ و تأکید وی بر بازگشت آمریکا به برجام و از سرگیری مذاکرات ایران و ۱+۴ و انتقادات حقوق بشری واشنگتن از ریاض، یکی از عللی است که سبب شد بار دیگر روابط امریکا با عربستان سعودی دچار تنش شود. بر این اساس این فرصت خوبی برای همگرایی دو کشور است که به هم نزدیک شوند و این مسأله باعث تسریع بیشتر خروج ایالات‌متحده آمریکا از منطقه به خصوص عراق و سوریه می‌شود. همچنین جمهوری اسلامی ایران با فراغ بال می‌تواند روند پیشرفت صنعتی و هسته‌ای خود را از طریق مشارکت کشورهای منطقه در یک ترتیبات امنیتی از طریق حمایت از تشکیل کنسرسیوم هسته‌ای میان شش کشور عربی و ایران دنبال کند، این امر فرصت مناسبی در اختیار ایران قرار می‌دهد تا با صدور این فناوری، به رفع نگرانی‌های کشورهای منطقه از فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای خود بپردازد (صفوی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۸).

۴- با همگرایی ایران و عربستان سعودی، مسئله فلسطین دوباره به‌عنوان مسئله مهم جهان اسلام اولویت نخست خود را باز خواهد یافت لذا، افکار عمومی عربستان سعودی هم هرگز ایجاد روابط تمام عیار با تل‌آویو را نمی‌پذیرند، بلکه آنها اسرائیل را بزرگترین تهدید برای امنیت منطقه می‌دانند. بنابراین، ریاض دریافت‌ه است که باید به شکل فزاینده، به جهان اسلام نزدیکتر شود. اما تحقق این هدف در صورت ادامه دشمنی با ایران، امکان‌پذیر نیست. بر این اساس همگرایی دو کشور می‌تواند رژیم صهیونیستی و دولت امریکا را با چالش وجودی مواجه و عملاً قدرت مقابله با جمهوری اسلامی ایران را از دست بدهد.

۵- دولت امریکا در موضوع ایران به عربستان سعودی به‌عنوان یک «متحد» نمی‌نگرد، بلکه نگاه «بزاری» دارد (عمادی و علیخانی، ۱۴۰۰: ۲۷۲). از طرف دیگر، آمریکا و عربستان سعودی به‌ویژه با روی کار آمدن بایدن، در خصوص جنگ یمن اختلاف نظر دارند، این

موضوعات می‌تواند با دیپلماسی رسانه‌ای بر همگرایی دو کشور ایران و عربستان سعودی کمک کند.

## ۲- عوامل واگرایی در روابط ایران و عربستان سعودی

ارتباط کشورها با محیط بیرونی از سه زاویه می‌تواند مورد مطالعه قرار گیرد:

- ۱- «روابط اختلاف‌آمیز» که در آن در برداشت‌ها و منافع اختلاف وجود دارد، اما قابل حل است.
- ۲- «روابط تناقض‌آمیز»، که با ناسازگاری بنیادین همراه است و به راحتی قابل حل نیست و به گذشت زمان نیاز دارد.
- ۳- «روابط تضادآمیز»، که در آن منافع و دیدگاه‌های طرفین در تقابل قرار داشته و رویارویی علنی وجود دارد (سریع‌القلم، ۱۳۷۹: ۶۳). بر اساس مطالب پیش گفته و شواهد موجود می‌توان روابط ایران و عربستان سعودی را در نوسان میان روابط تناقض‌آمیز و تضادآمیز تفسیر نمود. چرا که تنش و جنگ نیابتی ایران و عربستان سعودی در دهه‌های اخیر به اوج خود رسیده است. بر این اساس عواملی که بیشترین تأثیر را بر واگرایی روابط دو کشور داشته‌اند، عبارتند از:

### ۱-۲. تفاوت‌های مذهبی- قومی

جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی مهم‌ترین بازیگران سطح منطقه‌ای این منطقه ژئوپلیتیک هستند که به لحاظ مذهبی- قومی در تعارض‌اند. اصولاً دو تفکر «عرب-عجم» و «شیعه - وهابی» امکان همکاری این دو کشور را به نحوی قابل توجه کاهش داده و روابط تاریخی بین وهابی‌ها و شیعیان جای اندکی برای مصالحه باقی گذاشته است (آقایی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۱۱). به طوری که تماس جغرافیای نژاد آریایی و سامی همراه با مذهب عمده شیعه و فرقه وهابی در ایران و عربستان سعودی عامل پیدایش و تقویت ایدئولوژی‌های متعارض بنیادگرا و ناسیونالیست قومی در منطقه شده است.

### ۲-۲. ساختار سیاسی متفاوت

با وقوع انقلاب اسلامی، رژیم پادشاهی محافظه‌کار ایران که از نظر ساختاری تفاوت چندانی با رژیم آل سعود نداشت، جای خود را به یک ساختار جمهوری اسلامی (مردم‌سالاری) داد که نقطه مقابل رژیم پادشاهی توتالیتر بود. پادشاهی عربستان سعودی نه با ایران، بلکه با کشورهای محافظه‌کار غرب و حتی غیرعرب احساس هم‌نوایی و نزدیکی می‌کند. شکل‌گیری محور موسوم





به «محور اعتدال» (متشکل از رژیم‌های جمهوری و پادشاهی عرب خلیج فارس و مصر) در مقابل «محور ممانعت» (یا مخالف که مشتمل بر کشورهای طالب تغییر وضع موجود است) در همین چارچوب قابل تبیین است. با توجه به ساختار سیاسی متفاوت و عدم مشروعیت سیاسی حکومت پادشاهی، اعتماد متقابل بین دو کشور با چالش مواجه خواهد شد و می‌تواند در روابط دو کشور تأثیر زیادی داشته باشد.

### ۳-۲. عدم تعادل و توازن قدرت (مبارزه برای قدرت و نفوذ در منطقه)

جمهوری اسلامی ایران به دلایل تاریخی، نیروی انسانی و موقعیت ژئوپلیتیکی، همواره یکی از قدرت‌های منطقه‌ای بوده و بر همین اساس در مورد تحولات پیرامون خود حساس بوده و نقش فعالی ایفا کرده است (ویسی، ۱۳۹۸: ۱۷۶). عربستان سعودی نیز از جمله کشورهای منطقه است که بعد از سرنگونی صدام، خود را در رقابتی جدی با ایران قرار داده است و تلاش می‌کند تا در برابر ایران نوعی توازن برقرار کند و از رشد روزافزون قدرت ایران جلوگیری نماید. لذا، عربستان سعودی به‌خصوص با توجه به مسأله یمن، نگران است که نفوذ ایران تا نزدیکی مرزهای پیرامونی آن کشور کشیده شود. همسایگی عربستان سعودی با این کشور و نگرانی درباره مرز جنوبی خود، اتحاد عربستان سعودی با ایالات متحده، رقابت‌های ایران و عربستان سعودی به‌منظور گسترش نفوذ خود در آینده یمن، هراس عربستان سعودی از شکل‌گیری حکومت دموکراتیک در یمن و قدرت گرفتن حوثی‌ها در این کشور از مهم‌ترین دلایل تهاجم نظامی عربستان سعودی به یمن بوده است (Kausch, 2015: 43). به‌طور کلی، عربستان سعودی اهم دلایل گسترش خریدهای تسلیحاتی خود در سال‌های اخیر را در راستای موازنه‌سازی با قدرت نظامی ایران عنوان می‌کند (جهانی‌جوانمردی و ارغوانی‌پیرسلامی، ۱۳۹۹: ۱۴۹). به‌طوری که در سال ۲۰۱۹، عربستان سعودی قراردادی ۱۱۰ میلیارد دلاری برای خرید تسلیحات هزینه کرد (عمادی و علیخانی، ۱۴۰۰: ۲۷۴). عربستان سعودی در اوایل سال ۲۰۲۱ اعلام کرد که قصد دارد تا در یک دهه آتی و به‌عنوان بخشی از برنامه‌هایش برای تقویت هزینه‌های نظامی بیش از ۲۰ میلیارد دلار در صنعت نظامی داخلی این کشور سرمایه‌گذاری کند و به‌دنبال توسعه و ساخت تسلیحات بیشتر و سیستم‌های نظامی داخلی است. در سال ۲۰۲۲ این کشور تصمیم گرفت که قراردادهای دفاعی را به ارزش یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار منعقد کند (fa.alalam, 1400).



## ۲-۴. حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای

یکی از اهداف انقلاب اسلامی تأمین امنیت منطقه با همکاری کشورهای منطقه و بدون دخالت حضور بیگانگان است، در حالی که محوریت خلیج فارس در امنیت کشور عربستان سعودی و تأمین امنیت خود از طریق پیوند نظامی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای از جمله آمریکا تعریف شده است که دو نگاه به غرب، که ایران آن را امنیت‌زدا و عربستان سعودی آن را امنیت‌زا می‌داند، منجر به واگرایی دو کشور شد. البته تعارضات شدید بین ایران و عربستان سعودی را باید تا اندازه‌ای ناشی از سیاست‌های اعمال شده قدرت‌های بزرگ به‌ویژه ایالات متحده آمریکا در منطقه دانست (حافظ‌نیا و رومینا، ۱۳۸۴: ۷۳). بر این اساس روابط دو کشور آمریکا و عربستان سعودی مستقیماً با امنیت ملی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه در تضاد است (منصوری، ۱۳۹۸: ۱۲۳). به‌طوری که امروزه نقش آمریکا در منطقه غرب آسیا، تلاش برای جلوگیری از نقش محوری ایران برای همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس است.

## ۳. واگرایی ایران و عربستان سعودی و تأثیر آن بر سیاست خارجی دولت آمریکا در قبال ایران

جو بایدن، قبل و بعد از انتخابات، یکی از اولویت‌های سیاست خارجی خود را تدوین و تعقیب سیاست نوین آمریکا در قبال ایران اعلام کرده است. به‌صورتی که در کانون سیاست خارجی بایدن در قبال ایران موضوع هسته‌ای ایران قرار دارد (مسعودی، ۱۳۹۹: ۲۲۶). به‌طوری که بایدن بازگشت به برجام را آغازی برای تشدید محدودیت‌های هسته‌ای و برجامی عنوان کرده و فشار بیشتر بر ایران در حوزه‌های دیگر نظیر موشکی، منطقه‌ای و حقوق بشری را در چشم‌انداز خود متصور است. به‌عبارتی، بایدن هدف از بازگشت به برجام را نه رفع تحریم‌ها، بلکه اجماع‌سازی علیه ایران و فشار بر تهران در حوزه‌های متنوع می‌داند. بر این اساس عربستان سعودی به‌عنوان یکی از متحدین اصلی ایالات متحده آمریکا در غرب آسیا در تقویت جبهه‌ای ضد ایرانی جهت پیشبرد اهداف آمریکا کمک کرده است. بر این اساس تأثیر واگرایی دو کنشگر مهم منطقه‌ی غرب آسیا بر سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران را در دو مسأله می‌توان بررسی کرد.

### ۳-۱. خصمانه‌تر کردن سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران

عربستان سعودی شدیداً نگران کاهش تنش ایالات متحده در قبال ایران و نزدیک شدن این دو کشور به یکدیگر است. در واقع، اساس عربستان سعودی از شکاف میان ایران و ایالات متحده



برای نزدیک شدن به آمریکا استفاده کرده است (عباسی و حمیدفر، ۱۳۹۹: ۴۹). همچنین آل سعود با استفاده از نفوذ مالی که دارد توانست خودش را بر مذاکرات وین تحمیل کرد اما اینکه ریاض بخواهد تاثیر گذاری در گفتگوهای وین داشته باشد، خیلی دقیق نیست. از نظر عربستان سعودی، توافقنامه هسته‌ای برجام خطر دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را از بین نمی‌برد، بلکه صرفاً آن را چند سال به تعویق می‌اندازد. در حالی که در کوتاه‌مدت با برداشته شدن تحریم‌ها، میلیاردها دلار نصیب ایران می‌شود و این کشور می‌تواند شور و نشاط بیشتری به جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای خود بدهد. بر این اساس عربستان سعودی همواره از اقدامات تحریمی حمایت قاطع کرده و حتی آمریکا را به اتخاذ سیاست‌های جنگ‌طلبانه علیه ایران تشویق کرده است (صالحی و فرامرزش، ۱۳۹۵: ۷۴). در نتیجه، عربستان سعودی مخالف هسته‌ای شدن ایران است و در سال‌های اخیر نه تنها با غرب جهت تضعیف این فعالیت‌ها تلاش کرده است، بلکه در پاره‌ای اوقات، به تحریک غرب نیز پرداخته است (مرادی، ۱۳۹۲: ۱۱۷).

### ۳-۲. همراهی با سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران

عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا دارای منافع مشترک در قبال مهار قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران هستند. به دلیل همسو بودن اهداف و اولویت‌های سیاست خارجی عربستان سعودی با ایالات متحده در مورد تهدید نفوذ ایران، تهران همواره اهمیت ویژه‌ای در معادلات آمریکا و جایگاه آن در ساختار نظام بین‌الملل داشته است. به طوری که هر دو کشور همچنان به ایران به عنوان یک تهدید جدی برای منافع‌شان نگاه می‌کنند. همراهی عربستان سعودی با سیاست‌های آمریکا در قبال ایران در امور زیر است:

#### ۳-۲-۱. مقابله با قدرت موشکی و پهپادی ایران

قدرت نظامی ایران در توان موشکی و پهپادی آن تبلور یافته است، به همین دلیل آمریکا و عربستان سعودی برای مقابله با قدرت موشکی و پهپادی ایران سعی نموده‌اند در مرحله اول قدرت موشکی ایران را به عنوان یک تهدید جهانی و در نتیجه به برجام ربط داده و قدرت موشکی ایران را تضعیف نماید (اسدی، ۱۳۹۸: ۹۲). در مرحله دوم تقویت نیروی هوایی به صورتی است که از دید «کردزمن» بازدارندگی گسترده ایالات متحده علیه ایران از طریق تقویت نیروی هوایی عربستان سعودی توانسته تهدید بیشتری را متوجه ایران کند، به نسبت تهدیدی که موشک‌های دوربرد ایران می‌تواند برای عربستان سعودی داشته باشد. مجموعه این شرایط،





زمینه را برای ورود عربستان سعودی به اتحاد فرمانطقه‌ای و ایجاد نوعی بازدارندگی غیرمستقارن با همکاری هژمون فراهم ساخته است (جمشیدی و محسنی، ۱۳۹۸: ۵۲).

### ۲-۳. ائتلاف‌سازی علیه ایران (موازنه‌سازی)

آمریکا در راستای اجرای سیاست مقابله با جمهوری اسلامی ایران دو راهکار را دنبال کرده است: اول، بسیج کشورهای منطقه و موازنه قدرت آنها با ایران؛ دوم، ورود به سیستم (ائتلاف‌سازی) برای حفظ موازنه مطلوب و جلوگیری از تسلط ایران بر منطقه (سیمبر، ۱۳۹۹: ۱۲۲). در بخش بسیج کشورهای منطقه و ایجاد موازنه قدرت آنها با ایران، عربستان سعودی نقش بسیار پررنگی دارد (عباسی و حمیدفر، ۱۳۹۹: ۱۳). بر این اساس، می‌توان گفت مقابله با ایران به اصل نظام‌بخش سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی تبدیل شده است. لذا، مسئله اصلی پیش‌روی نظام سعودی در شرایط کنونی، مقابله با ایران و موازنه‌سازی در برابر تهدیدات آن است که ابعاد مختلفی یافته و مهم‌ترین آن، تلاش برای ایجاد ائتلاف سنی-عربی در برابر ایران است (Glaser and Kelanic, 2017: 2. Corbeil and Amarasingam, 2016: 4).

### ۳-۲-۳. امنیتی‌سازی ماهیت اقدامات جمهوری اسلامی ایران

هدف از امنیتی‌سازی ساختن یک موضوع، قانع ساختن بازیگران مختلف برای انجام اقدامات جدی و فوری علیه آن موضوع است و بر این اساس به‌موازات پیشبرد گفت‌وگومانی ایران‌ستیز و ایران‌هراس، عربستان سعودی به مجموعه سیاست‌ها و اقدامات مبادرت کرده تا بتواند محدودیت‌ها و فشارهای مختلف را بر ایران تحمیل کند. در شرایطی که نقش منطقه‌ای ایران در منطقه در دو دهه اخیر افزایش یافته است، عربستان سعودی تلاش کرده تا با ایران‌هراسی و مطرح ساختن سیاست منطقه‌ای ایران به‌عنوان تهدیدی جدی و اساسی برای ثبات و امنیت غرب آسیا، به بسیج و هم‌افزایی ظرفیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در برابر ایران مبادرت کند (اسدی، ۱۳۹۸: ۹۲-۸۹).

### ۳-۲-۴. عادی‌سازی روابط با رژیم اسرائیل

عربستان سعودی با ایجاد روابط نزدیک با رژیم صهیونیستی و همراهی ضمنی با پروژه آبراهام درصدد تضعیف دیپلماسی منطقه‌ای ایران برآمده و از این طریق ضمن تأمین اهداف و منافع منطقه‌ای خود در راستای تضعیف محور مقاومت در سطح منطقه گام برمی‌دارد و به‌دنبال یک



جبهه واحد با اسرائیل برای از بین بردن دامنه نفوذ جمهوری اسلامی ایران در لبنان، عراق، سوریه و یمن است (درج و امام‌جمعه‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۳۳).

### ۵-۲-۳. حمایت از گروه‌های ضدایرانی و برانداز

عربستان سعودی با حمایت از گروه‌های تروریستی نظیر حرکه النضال در پی ناامن کردن ایران بوده و از قبل هم رسماً این را اعلام کرده است. نمونه بارز آن را می‌توان به حملات تهدیدآمیز محمدبن‌سلمان در قبال جمهوری اسلامی ایران نسبت داد: «ما دامنه‌های جنگ و ناامنی را به مرزهای درونی جمهوری اسلامی ایران خواهیم کشاند» (Harrison, 2017: 7).

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به عوامل همگرایی و واگرایی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی پرداخت که از جمله عوامل همگرایی انرژی، حج، محیط‌زیست و... و از جمله عوامل واگرایی دو کشور، تفاوت‌های مذهبی- قومی، ساختار سیاسی متفاوت، عدم تعادل و توازن قدرت و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای و جنگ یمن است. علی‌رغم اینکه زمینه‌های همگرایی دو کشور زیاد است، اما در چهار دهه گذشته، رویکرد واگرایی در روابط دو کشور غالب بوده است. بر این اساس فقدان همگرایی و وجود واگرایی برای دو قدرت مهم منطقه، چالشی جدی است. برای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، واگرایی یک معضل یا منشاء آسیب‌های بسیاری زیادی است. به دلیل اینکه ساختار ژئوپلیتیکی منطقه خلیج فارس همواره نشانه‌هایی از بحران، تضاد، بی‌ثباتی، عدم تعادل و تنش میان ایران و عربستان سعودی را در درون خود داشته و دارد، رقابت و تضاد فرهنگی- امنیتی بین این دو کشور آثار خود را بر شکل‌بندی‌های امنیت منطقه‌ای نیز به جای گذاشته است. اختلاف‌های ساختاری و ایدئولوژیک دو کشور به موازات نقش‌آفرینی قدرت‌های بزرگ و همچنین، تلاش ایران و عربستان سعودی برای دستیابی به موقعیت هژمونیک در حوزه منطقه‌ای، مانع شکل‌گیری فرآیندهای همکاری جویانه و ایجاد نظم منطقه‌ای باثبات شده است. در واقع تاکنون با محوریت دو کشور، یک سازمان فراگیر منطقه‌ای تشکیل نشده و افزون بر این، گسیختگی و شکاف قدرت میان ایران و عربستان سعودی باعث شکل‌گیری ساختار شکسته و نامنسجمی در روابط دو کشور شده است. لذا، موانع بسیاری بر سر راه نهادینه‌سازی و تقویت روابط همکاری‌جویانه میان ایران و عربستان سعودی وجود دارد. همچنین قدرت‌های جهانی و مداخله‌گر در امور منطقه به‌ویژه آمریکا درصدد بهره‌برداری از اختلافات موجود بوده و از این‌رو با



وجود اشتراک‌های فراوان، تاکنون الگوی پایدار و مورد توافق برای همگرایی و برقراری روابط دوستانه ایجاد نشده است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود ایران در شرایط کنونی که دولت بایدن با چالش‌های زیادی در منطقه غرب آسیا مواجه است (خروج از افغانستان بعد از ۲۰ سال با وضعیت تحقیرآمیز، مصوبه مجلس عراق مبنی بر خروج نیروهای آمریکا و بعضاً حمله به مقر آنها در عراق و تمرکز دولت بایدن به سمت ایندوپاسفیک و جنگ اوکراین و... که نشانگر افول هژمونی آمریکا است) با بررسی چالش‌ها و موانع پیش‌رو را هر چه بیشتر به سوی کاهش تنش حرکت کرده و با استفاده از دیپلماسی عمومی، سیاست خارجی و روابط دیپلماتیک خود را بر پایه تنش‌زدایی و تلاش برای برقراری روابط دوستانه و چندجانبه میان این دو کشور قرار دهد. بهترین و موثرترین راهکارها برای همگرایی دو کشور در شرایط کنونی که زمینه بستر همکاری وجود دارد، عبارتند از:

- دو کشور تعریف جدیدی از سیاست خارجی بدون توجه به عنصر ثابت سیاست خارجی آمریکا داشته باشند.
- همکاری در زمینه توسعه دانش فنی، فناوریانه و مدیریتی؛
- استفاده از ظرفیت راهبردی خلیج فارس در پیوستگی و همبستگی ایران با عربستان سعودی برای مثال با ایجاد یک منطقه ویژه اقتصادی در سراسر خلیج فارس؛
- حل اختلاف دیدگاه در زمینه‌های مربوط به جهان اسلام از جمله لبنان، یمن و سوریه و شکل‌گیری کارگروه‌های مشترک بین ایران و عربستان سعودی؛
- تقویت اشتراک دیدگاه در خصوص آرمان فلسطین؛
- تاکید بر مسئله دین به جای مذهب به‌عنوان یک مقوله قدرتمند؛
- در زمینه تضادهای ایدئولوژیک، برنامه‌ریزی‌های وسیعی انجام شود تا بتوان بخشی از مسائل به‌وجود آمده را حل‌وفصل کرد. برای مثال با اعزام گروه‌های مختلف مذهبی به عربستان سعودی و به دست آوردن نقاط اشتراک و تلاش در جهت از بین بردن و زدودن تفکرات تند طرفین از طریق سازوکارهای گوناگون،
- شفافیت در امور نظامی و امنیتی و ارتباط نزدیک‌تر مسئولان نظامی و امنیتی عربستان سعودی با ایران از اهمیت زیادی برخوردار است.
- توسعه همکاری‌های منطقه‌ای در زمینه‌های آبی، گردشگری، زیست‌محیطی، همکاری‌های تجاری و اقتصادی به‌ویژه در بخش نفت؛



- ایجاد تفاهم‌نامه‌های امنیتی در زمینه‌های مشترک، و در جهت کاهش حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای؛
- ایجاد یک تقویم سالیانه جهت ایجاد یک همایش امنیتی - نظامی بین ایران و عربستان سعودی و ادامه مستمر آن با مشارکت تمامی کشورهای منطقه؛
- برگزاری رزمایش‌های دریایی مشترک با استفاده از ظرفیت‌های نظامی و امنیتی ایران و عربستان سعودی؛
- شفافیت در خرید تسلیحات در جهت جلوگیری از رقابت‌های تسلیحاتی؛
- انعقاد قرارداد در زمینه مبادله‌های تجاری و سرمایه‌گذاری‌های مشترک مشارکت جمعی در زمینه پالایش فراورده‌های نفتی و انتقال دانش فنی آن؛
- ایجاد نهادهای مشترک سیاسی جهت پیشگیری از تشدید اختلاف‌های احتمالی؛
- شناسایی تهدیدهای مشترک جمعی و همکاری در جهت از بین بردن آنها؛
- تبادل استادان و دانشجویان دانشگاه‌ها بین دو کشور در یک برنامه میان‌مدت؛
- انتشار نشریات عرب‌زبان و تقویت رسانه‌های عرب‌زبان موجود، همراه با رعایت حساسیت‌های مذهبی؛
- اعزام دیپلمات‌های مجرب و مسلط به زبان عربی به عربستان سعودی؛
- تقویت نهادهای غیردولتی، انجمن‌های دوستی ایران و عربستان سعودی و تأمین تسهیلات لازم برای پیشبرد هدف‌ها؛
- پیگیری جدی طرح امنیتی هرمز.

### پیشنهاد‌های رسانه‌ای

- رسانه‌ها امروز از جمله مهم‌ترین ابزارهای دیپلماسی عمومی هستند و دیپلماسی رسانه‌ای بخش مهمی از دیپلماسی کشورها از جمله در حوزه سیاست خارجی است. روابط جمهوری اسلامی ایران با عربستان سعودی به‌حدی حائز اهمیت بوده که لازم است رسانه‌های داخلی و خارجی ایران، با موشکافی رخدادها و برنامه‌ریزی دقیق و هوشمند و همسو با سیاست کلان جمهوری اسلامی ایران اقدام کنند. با توجه به اینکه از زمان روی کار آمدن جو بایدن در آمریکا، روابط ریاض و واشنگتن دچار تغییر و گفتگوها میان ایران و عربستان سعودی برای احیای روابط آغاز شده است، پیشنهاد می‌شود وجه ایجابی سیاست‌های رسانه‌های



برون مرزی ایران در قبال عربستان سعودی پررنگ‌تر از وجه سلبی باشد. جمهوری اسلامی ایران باید بتواند از دیپلماسی رسانه‌ای برای احیای روابط با عربستان سعودی و کاستن از بی‌اعتمادی میان دو کشور هرچه بیشتر بهره‌گیرد.

- رویکرد رسانه‌های برون مرزی باید در جهت کاستن از واگرایی در روابط عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران باشد. بنابراین، بهتر است از صاحب‌نظران دارای نگاه عمل‌گرایانه به روابط با این کشور، در برنامه‌های گفتگو محور استفاده شود. باید توجه شود به هر میزان نزدیکی میان تهران و ریاض بیشتر شود، بر نزدیکی آتی میان عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی و تقویت پروژه آبراهام تأثیر معکوس خواهد داشت.

- رویکرد رسانه‌های برون مرزی باید مثل همیشه در جهت تقویت روابط با عربستان سعودی بر مبنای وحدت اسلامی میان دو قدرت منطقه‌ای جهان اسلام باشد. بر اساس یافته‌های این مقاله، بهره‌گیری مضاعف از ظرفیت حج، دیپلماسی انرژی و همکاری‌های زیست‌محیطی در این زمینه مؤثر است.

- تبیین این موضوع که آمریکا از عربستان سعودی استفاده ابزاری می‌کند و با راه انداختن جنگ نیابتی میان ایران و عربستان سعودی، سعی دارد هر دو کشور را تضعیف کند، هرچه بیشتر در دستور کار برنامه‌های خبری و غیرخبری شبکه‌های برون مرزی قرار گیرد. این جنگ نیابتی، موضوعی است که بیش از همه تأمین‌کننده منافع رژیم صهیونیستی در منطقه بود. لذا، هرچه بیشتر در برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی برون مرزی مد نظر قرار گیرد.

- برگزاری اجلاس همگرایی رسانه‌ای برای صلح و آرامش در جهان اسلام با محوریت کشورهای منطقه و ابتکار معاونت برون مرزی صداوسیما در کاهش اختلافات مثمر ثمر است. استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای مقابله با جریان افراط‌گرایی در جذب طیف‌های مختلف مخاطبان هر چه بیشتر مورد توجه رسانه‌های مجازی، شنیداری و دیداری برون مرزی قرار گیرد.

- نقش رسانه‌هایی مانند العالم و الکوثر در کم‌رنگ‌سازی اختلاف‌ها و تفاوت‌ها، پررنگ‌سازی مشترکات و نقاط همسو و آگاهی‌بخشی از توطئه‌های دشمنان می‌تواند در همگرایی کارساز باشد. لذا پیشنهاد می‌شود کارگروه رسانه‌ای ویژه تحلیل مناسبات و منازعات تهران- ریاض با رویکرد آینده‌نگرانه در این شبکه‌ها راه‌اندازی شود.



- از طریق دیپلماسی عمومی زمینه‌های همگرایی دو کشور با برگزاری اجلاس جهانی علما، کنفرانس وحدت اسلامی و... تحقق‌پذیر است. استمرار پوشش خبری گسترده این گونه اقدامات توسط شبکه‌های برون‌مرزی حائز اهمیت است.
- اصل حل و فصل مخاصمات عربستان سعودی و ایران به عنوان دو قطب جهان اسلام، فارغ از نقش و مواضع ایالات متحده آمریکا برای جهان اسلام و ملت‌های منطقه مفید است. لذا، دیپلماسی رسانه‌ای ایران بهتر است بستر ساز کاهش تنش‌ها در سطح روابط دو کشور باشد.
- با اشاره به کلیدواژه‌های نصیحت مقام معظم رهبری به سران سعودی (چرا جنگی را که یقین دارید در آن پیروز نمی‌شوید، ادامه می‌دهید؟)، ضمن اشاره به ناکامی ریاض در هشت سال جنگ علیه یمن، بر این نکته تأکید شود که پایان جنگ یمن، بیش از هر طرفی به نفع سعودی می‌باشد.

## منابع و مأخذ منابع فارسی

ازغندی، علیرضا و مهدی آقاعلیخانی (۱۳۹۲)، «بررسی عوامل منطقه‌ای واگرایی در روابط ایران و عربستان سعودی (۱۳۹۰-۱۳۸۴)»، **فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، شماره ۲، تابستان، صص ۲۴۳-۲۲۵.

افضلی، رسول و سجاد نجفی (۱۳۹۷)، «تبیین شاخص‌های کلیدی تأثیرگذار بر روابط ایران و عربستان سعودی در افق زمانی ۱۴۰۷»، **فصلنامه آینده‌پژوهی دفاعی**، شماره ۲، تابستان، صص ۷-۳۴.

العالم فارسی (۱۴۰۰)، «پول‌های صرف شده برای تسلیحات سعودی به کجا می‌رود؟»، قابل دسترسی در:

<https://fa.alalam.ir/news/6091648>

اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۸)، «نقش عربستان سعودی در امنیتی‌سازی ایران؛ راهبرد جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، دوره ۲۲، شماره ۳، پاییز، صص ۱۰۶-۸۳.

آدمی، علی؛ نازنین نظیفی نایینی و عارف بیژن (۱۳۹۷)، «اسرائیل و عربستان سعودی؛ عصر جدیدی از همکاری دوجانبه»، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست**، دوره ۷، شماره ۲۷، زمستان، صص ۲۱۶-۱۸۹.

تأثیر همگرایی و واگرایی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی بر ... ۲۰۱

آقایی، سیدداود و حسن احمدیان (۱۳۸۹)، «روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی؛ چالش‌های بنیادین و امکانات پیش‌رو»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۰، شماره ۳، پاییز، صص ۱۹-۱.

بیات، جلیل و محسن اسلامی (۱۳۹۷)، «ایران-عربستان سعودی؛ طرح الگوی تنش‌زدایی با محوریت مناقشات منطقه‌ای»، **فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی**، دوره ۸، شماره ۲۸، پاییز، صص ۱۸۵-۱۶۷.

جلال‌پور، شهره؛ محمد فلاح و فاطمه محمودزاده (۱۳۹۹)، «متغیرهای تأثیرگذار بر واگرایی روابط ایران و پاکستان»، **فصلنامه پژوهش ملل**، شماره ۵۶، صص ۲۹-۷  
جمشیدی، محمدحسین و سجاد محسنی (۱۳۹۸)، «تحول در ساختار قدرت جهانی و تأثیر آن بر روابط ایالات متحده و عربستان سعودی»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی**، شماره ۳۹، صص ۴۰-۵۸.

جهانی‌جوانمردی، مسلم و فریبرز ارغوانی‌پیرسلامی (۱۳۹۹)، «دلایل و پیامدهای نظامی‌گری در سیاست داخلی و خارجی عربستان سعودی»، **فصلنامه سیاست دفاعی**، شماره ۱۱۱، صص ۱۶۶-۱۳۱.  
حافظنیا، محمدرضا و حسین ربیعی (۱۳۹۲)، **مطالعات منطقه‌ای خلیج فارس**، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

حافظنیا، محمدرضا و ابراهیم رومینا (۱۳۸۴)، «تحول روابط ایران و عربستان سعودی و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک خلیج فارس». **تحقیقات جغرافیایی**، شماره ۲، صص ۶۶-۸۲.  
حق‌شناس، محمدرضا؛ سیدمسعود موسوی‌شقایب، سیدمحمدکاظم سجادیپور و محسن شریعتی‌نیاسر (۱۳۹۶)، «رقابت ژئوپلیتیک و روابط ایران و عربستان سعودی، مکانیزم‌ها و راهبردها»، **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، شماره ۶، صص ۱-۳۱.

درج، حمید و سیدجواد امام‌جمعه‌زاده (۱۳۹۸)، «عربستان سعودی و استراتژی سد کردن قدرت در منطقه خاورمیانه (مطالعه موردی؛ تحولات یمن)»، **پژوهشنامه انقلاب اسلامی**، شماره ۳۱، صص ۱۴۲-۱۱۷.

رشیدی، احمد و سیدصالح موسوی (۱۳۹۸)، «درآمدهای نفتی و آثار متعارض آن بر رشد و توسعه اقتصادی در ایران و نروژ». **مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل**، شماره اول، صص ۱۵۳-۱۸۱.  
زارعی، بهادر؛ حسین شاه‌دوستی و علی زینیوند (۱۳۹۳)، «فرصت‌ها و چالش‌های همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس»، **فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی**، دوره ۴۶، شماره ۴، زمستان، صص ۷۵۵-۷۳۱.





زرگر، علی‌اصغر و زینب نوروزی‌کلرمی (۱۳۹۵)، «مسئولیت و نقش دولت‌های حوزه خلیج فارس در حفاظت از محیط‌زیست»، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، دوره ۹، شماره ۳۳، تابستان، صص ۲۵۱-۲۸۱.

سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۹)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف**، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

سیمبر، رضا (۱۳۸۹)، «سیاست خارجی آمریکا و تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه دانش سیاسی**، شماره ۲، صص ۱۳۸-۱۰۷.

صادقی، اکبر؛ سیدجلال دهقانی فیروزآبادی و هادی آجیلی (۱۳۹۷)، «بایسته‌های دیپلماسی انرژی ایران در نظام اقتصاد سیاسی بین‌المللی»، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، دوره ۱۱، شماره ۴۳، پاییز، صص ۱۰۵-۷۳.

صالحی، سیدحمزه و احسان فرامرزش (۱۳۹۵)، «نقش برجام در تشدید واگرایی بین ایران و عربستان سعودی»، **فصلنامه پژوهش ملی**، شماره ۱۴، صص ۷۹-۶۵.

صفوی، سیدیحیی؛ محمدرضا حافظ‌نیا، محمدحسین افشردی و برات فرجی (۱۳۹۱)، «امنیت پایدار در منطقه ژئوپولیتیک خلیج فارس در پرتو ناپایداری نیروهای همگرا و واگراساز»، **فصلنامه آفاق امنیت**، دوره ۵، شماره ۱۷، پاییز، صص ۳۳-۵.

صابر فرد، علیرضا، و حسین کبیری (۱۳۹۸)، «مؤلفه‌های بحران‌زا در روابط ایران و عربستان سعودی (۲۰۰۰-۲۰۱۷)»، **فصلنامه مطالعات جهان اسلام**، شماره ۶، صص ۱۲۷-۱۴۷.

عباسی، مجید و حمیدرضا حمیدفر (۱۳۹۹)، «اتحاد عربستان سعودی و اسرائیل با آمریکا و پیامدهای آن بر موازنه قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه»، **فصلنامه مطالعات بین‌المللی**، دوره ۱۷، شماره ۳، زمستان، صص ۲۵-۷.

عبداله‌خانی، علی (۱۳۸۹)، **نظریه‌های امنیت**، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

عمادی، سیدرضی و مهدی علیخانی (۱۴۰۰)، «روابط آمریکا و عربستان سعودی در دوره ریاست‌جمهوری جو بایدن؛ عوامل تعیین‌کننده و پیامدها (با تأکید بر پیشنهادها رسانه‌ای)»، **پژوهشنامه رسانه بین‌الملل**، دوره ۶، شماره ۱، صص ۲۷۶-۲۶۱.

عمادی، سیدرضی (۱۴۰۰)، **چشم‌انداز روابط آمریکا و عربستان سعودی در دوره ریاست جمهوری جو بایدن (با تأکید بر رویکرد رسانه‌ای)**، تهران: پژوهش‌های کاربردی معاونت برون‌مرزی صداوسیما



تأثیر همگرایی و واگرایی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی بر ... ۲۰۳

فرانکل، جوزف (۱۳۷۶)، نظریه معاصر روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ دوم.

کریمی‌پور، یدالله؛ حسین ربیعی و سیدمحمد یعقوبی (۱۳۹۸)، «بررسی زمینه‌های همگرایی و واگرایی ایران و عربستان سعودی در چهارچوب جغرافیای صلح»، **فصلنامه نگرش نو در جغرافیای انسانی**، دوره ۱۱، شماره ۴، پاییز، صص ۳۲۴-۳۰۷.

متقی، ابراهیم؛ امیر رضانی و فاطمه نکولعل‌آزاد (۱۳۹۵)، «نقش منابع و اقتصاد انرژی در گسترش رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان سعودی»، **فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، دوره ۱، شماره ۲۰، صص ۳۷-۱۵.

محسنی، سیدسجاد (۱۴۰۰)، **چشم‌انداز مناسبات ایران و عربستان سعودی در پرتو تحولات منطقه‌ای» (با تمرکز بر رویکردهای رسانه‌ای)**، تهران: پژوهش‌های کاربردی معاونت برون‌مرزی صداوسیما

حمیدی، محسن؛ نورالله کریمیان و حسن رضایی (۱۳۹۴) «ظرفیت‌های درونی اسلام در تقویت همبستگی با تمرکز بر نقش حج در وحدت جهان اسلام»، **فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی**، شماره ۲، پاییز، صص ۲۶-۲.

مختاری‌هشی، حسین و مصطفی قادری‌حاجت (۱۳۹۷)، «تحلیل ژئوپلیتیکی فرصت‌ها و چالش‌های همگرایی در منطقه غرب آسیا»، **فصلنامه مطالعات آسیای جنوب غربی**، دوره ۱، شماره ۱، بهار، صص ۸۷-۱۱۹.

مرادی، غلامعلی (۱۳۹۲)، «روابط امنیتی-استراتژیکی عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا با تاکید بر تأثیر تحولات خاورمیانه در روابط دو کشور»، **فصلنامه علوم و فنون نظامی**، دوره ۹، شماره ۲۵، پاییز، صص ۱۲۸-۱۰۱.

مسعودی، حیدرعلی (۱۳۹۹)، «جو بایدن و رمزگان عملیاتی در حوزه سیاست خارجی»، **فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، دوره ۱۲، شماره ۲، زمستان، صص ۱۲۲-۹۵.

مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۵)، «سیاست‌گذاری موازنه منطقه‌ای در روابط ایران و عربستان سعودی»، **فصلنامه سیاست**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۶، شماره ۴، زمستان، صص ۱۰۸۷-۱۰۶۷.

منصوری، جواد (۱۳۹۸)، **آمریکا و خاورمیانه**، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، چاپ دوم.





نادری، مسعود، و هادی تاجیک (۱۳۹۷)، سناریوهای راهبردی روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در افق ۲۰۳۰م، **فصلنامه آینده‌پژوهی دفاعی**، شماره ۱۱، صص ۷-۲۸

نای، جوزف (۱۳۸۷)، **قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل**، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.

ویسی، هادی (۱۳۹۸)، «واکاوی چالش‌های ژئوپلیتیکی عربستان سعودی با جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر منطقه جنوب غرب آسیا»، **جغرافیا و توسعه**، دوره ۱۷، شماره ۵۵، تابستان، صص ۱۹۲-۱۷۵.

### منابع انگلیسی

- Fathollah-zjj dd, Aii (2016), “rrr mnn–Iranian Relations after the Nuclear Deal: ooo poiiiaal nnd Eoonomcc ii mensoms”, **Insight Turkey**, Vol. 18, No. 1, pp. 59–75.
- Harrison, Ross. (2017). Saudi Arabia Is Weakening itself and Strengthening Iran, **Foreign Policy**, pp. 1-10
- Corblll, Aexnndrr & mmrrnnngam, mmrrntt h (2016), “**TheHouthi Hezbollah: Irans Train-and-Equip Program in Sanaa**”, Available at: Weekly Newsletter.
- Glaser, Charles L.; Kelanic, Rosemary A (2017). Getting Out of the Gulf; Oil and U.S. Military Strategy, **Foreign Affairs**, pp. 1-19.
- Kausch, Kristina (2015), “**Geopolitics and Democracy in the Middle East**”, FRIDE: A European Think Tank for Global Action.
- Sharp, Jeremy (2017), **Yemen: Civil War and Regional Intervention**, Congressional Research Service.
- Waller, M (2007), **The Public Diplomacy Reader**, Washington, Institute of World Politics Press.